أَجوَد : بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین

اُحْتُقِرَ : خوار شد (اِحْتَقَرَ، يَحْتَقِرُ)

أَسَرَ : اسیر کرد (مضارع: يَأْسِرُ)

أَسلَمَ : مسلمان شد(مضارع: يُسْلِمُ)

أَسْرىٰ : اسیران «مفرد: أَسير»

أَطلَقَ : رها کرد (مضارع: يُطْلِقُ)

اِفتَقَرَ : فقیر شد (مضارع: يَفْتَقِرُ)

أَهْل : خانواده = أُسْرَة

خائِب : ناامید

خَصْلَة : ویژگی «جمع: خِصال»

ذَلَّ : خوار شد (مضارع: يَذِلُّ)

رَدَّ : برگرداند (مضارع: يَرُدُّ)

سَلام : آشتی = صُلْح ≠ حَرْب

شَدائِد : گرفتاری‌ها، سختی‌ها

صَفيّ : برگزیده «جمع: أَصْفياء»

ضاعَ : تباه شد، گم شد(مضارع: يَضيعُ)

عِرْض : ناموس، آبرو «جمع: أَعْراض»

فَكَّ : باز کرد، رها کرد(مضارع: يَفُكُّ)

مُضَر : نام قبیله‌ای

مَكْرُمَة : بزرگواری «جمع: مَكارِم»

مَكروب : اندوهگین

يَحْمي: پشتیبانی می‌کند(ماضی: حَمَى)

يُطْعِمُ: خوراک می‌دهد (ماضی: أَطْعَمَ)

يُعينُ : کمک می‌کند (ماضی: أَعانَ = ساعَدَ، نَصَرَ

يُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْروبِ : اندوه غمگین را می‌زداید (ماضی: فَرَّجَ ...)

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

معین کن درست و اشتباه را بر طبق متن درس

✓	✗	
	✗	١ـ قالَ عَديٌّ يا أُختي، إنّي رَأَيْتُ خِصالاً مِنْ هٰذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُني.
✓		٢ـ فَلَمّا أَطْلَقَ النَّبيُّ ﷺ سَفّانَةَ، عادَتْ إِلىٰ أَخيها.
	✗	٣ـ كانَ حاتِمٌ يَرُدُّ مَنْ أَتاهُ في حاجَةٍ خائِباً.
✓		٤ـ حاتِمٌ الطّائِيُّ مَعروفٌ بِالْكَرَمِ.
	✗	٥ـ أُسِرَتْ سَفّانَةُ في غَزوَةِ أُحُدٍ.

گفت عدی ای خواهرم، همانا من دیدم ویژگی‌هایی از این مرد که به تعجب وامی‌دارد

پس هنگامی که آزاد کرد پیامبر (ص) سفانه را، بازگشت به سوی برادرش.

برگرداند حاتم کسی را که به خاطر نیازی به نزدش حرکت نا امیدانه.

حاتم طایی معروف است به بخشندگی

اسیر شد سفانه در جنگ احد